



BEJ

مجله اخلاق زیستی

دوره دهم، شماره سی و پنجم، ۱۳۹۹

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/be>



مقاله پژوهشی

جرائم زیست‌محیطی و پیشگیری از ضررهای زیستی در سنجه جرم‌شناسی فرهنگی سبز

علیرضا میرکمالی^{*۱}، امین حاجی‌وند^۲، علی نباتی^۳

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: توجه به جرائم زیست‌محیطی از جهت ضررهای زیستی فراوانی که دارد، محور اصلی مطالعات جرم‌شناسی فرهنگی سبز واقع شده است. هدف این تحقیق شناسایی جرائم زیست‌محیطی و رهنمودهای پیشگیری از ضرر زیستی در سنجه این جرم‌شناسی است.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش تحلیلی به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های جرم‌شناسان سبز انتقادی معاصر در خصوص جرائم زیست‌محیطی و پیشگیری از ضررهای زیستی با استفاده از اصول اخلاق زیستی پرداخته می‌شود.

یافته‌ها: خواسته اصلی جرم‌شناسی فرهنگی از جرم‌شناسی سبز، توجه به مؤلفه فرهنگ است و خواسته مهم جرم‌شناسی سبز از جرم‌شناسی فرهنگی، توجه به این نکته مهم است که آسیب‌ها و فجایع زیست‌محیطی که از سوی دولت‌ها و شرکت‌ها ارتکاب می‌یابد، نباید مورد غفلت قرار گیرد. تلفیق و ادغام این دو رویکرد کمک به سزایی در قالب پیشگیری از ضررهای زیستی ارائه می‌دهد، چراکه تکیه جرم‌شناسی فرهنگی سبز بر مؤلفه‌های فرهنگ و آموزش با حداقل میزان مداخله کیفری با رویکرد جرم‌زدایی، در راستای تحقق اخلاق زیستی و عدالت اجتماعی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و امانتداری در ارجاعات مقاله رعایت گردیده است.

نتیجه‌گیری: حاصل تلفیق دو نوع جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی سبز، جرم‌شناسی فرهنگی سبز است که دو مؤلفه مهم فرهنگ و آسیب‌های زیست‌محیطی دولتی را مد نظر قرار می‌دهد. پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی در این رویکرد ادغام‌یافته، از طریق فرهنگ‌سازی و نهادینه‌کردن اصول و منش‌های اخلاق زیست‌محیطی، حفاظت از محیط زیست را امکان‌پذیر می‌سازد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۸

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۶/۳۱

واژگان کلیدی:

جرائم زیست‌محیطی

اخلاق زیستی

ضرر زیستی

جرم‌شناسی سبز

فرهنگ

* نویسنده مسؤل: علیرضا میرکمالی

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه شهید

بهشتی، دانشکده حقوق.

تلفن: ۰۹۱۲ ۲۲۳ ۹۵۶۲

نمبر: ۰۲۱ ۲۲۴۳ ۱۹۶۳

پست الکترونیک:

a_mirkamali@sbu.ac.ir

۱. مقدمه

کند و در این میان، هیچ محدودیت و قیدی ندارد (رویکرد انسان‌مداری). این برداشت و وضعیت تا همین اواخر ادامه داشت و جوامع صنعتی و مدرن با تکیه بر همین نگاه به بهره‌برداری گسترده از طبیعت و عناصر آن پرداختند تا میزان ثروت و رفاه اقتصادی را افزایش داده و خود را در ردیف دولت‌های توسعه‌یافته قرار دهند. به این ترتیب و تحت تأثیر این رویکرد انسان‌مدار و ابزارمدار محض، دانش، فناوری و صنعت دست به دست هم دادند تا بشر بیش از پیش از طبیعت بهره‌برداری کند و آن را به طور کامل در اختیار گیرد. غافل از این‌که با این اقدام، محیط زیست، یعنی خانه خود را به سمت نابودی و ویرانی می‌کشاند، زیرا سیاست‌گذاری اقتصادی و صنعتی کشورها به گونه‌ای بود که تنها به دنبال تأمین منافع اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی بودند و در این میان گاه به رقابت گسترده نیز می‌پرداختند.

از سویی، به دلیل پیشرفت در حوزه بهداشت و سلامت، روز به روز بر جمعیت کشورها نیز افزوده می‌شد و جمعیت جدید نیاز به بهره‌برداری از محیط زیست را افزون‌تر می‌ساخت. حاصل این امر، تخریب گسترده طبیعت، کاوش‌های غیر اصولی، دفع نامناسب پسماندها و زباله‌ها، ورود مواد شیمیایی به چرخه محیط زیست، شکار بی‌رویه حیوانات، صید بی‌رویه ماهی‌ها، افزایش گازهای گلخانه‌ای، نازک و سوراخ شدن لایه اُزن، گرم‌شدن دمای کره زمین، ذوب‌شدن یخ‌ها و یخچال‌های قطبی، بالآمدن سطح آب دریاها و زیر آب‌رفتن خشکی‌ها، بر هم‌خوردن و تغییر آب و هوا و اقلیم مناطق، تجارت و داد و ستد گونه‌های گیاهی و جانوری، شکار حیوانات به منظور تجارت اندام‌های آن‌ها (مانند سم، پوست و عاج)، سدسازی‌های غیر اصولی، خشک‌شدن رودخانه‌ها، از بین رفتن محیط زیست حیوانات، پاک‌سازی جنگل‌ها، قطع بی‌رویه درختان، کاهش یا انقراض برخی از گونه‌های جانوری و... بود، به گونه‌ای که ادامه این وضعیت توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرد.

جرم‌شناسانی که در خصوص جرائم زیست‌محیطی و ضررهای زیستی، مطالعات و نظریات درخور توجهی ارائه داده‌اند، در

توسعه صنعتی و رشد اقتصادی چشم‌گیر در دهه‌های اخیر و رقابت روزافزون کشورها در حوزه‌های تجاری، صنعتی و اقتصادی، با این‌که به بهبود سطح زندگی بشر و گسترش رفاه اجتماعی منجر شده، ولی روی دیگر آن، نابودی و تخریب گسترده محیط زیست بوده است. سیاست‌های توسعه اقتصادی و صنعتی دولت‌ها و شرکت‌های تجاری، که بدون ارزیابی و ملاحظه مسائل زیست‌محیطی اتخاذ شده، به تحمیل خسارات گسترده، شدید و پایدار بر محیط زیست منجر شده است، اگرچه بخشی از این خسارات ناخواسته به وجود آمده‌اند، ولی بخش عمده‌ای از آن از روی آگاهی و به صورت عمدی ایجاد شده است. به این معنا که مرتکبان این خسارات از همان ابتدا به پیامدهای زیان‌بار زیست‌محیطی رفتارهای خودآگاه بوده‌اند، ولی به علل مختلف، تأمین منافع کوتاه‌مدت و فردی خود را بر منافع بلندمدت و جمعی بشری ترجیح داده‌اند که حاصل آن چیزی جز نابودشدن محیط زیست در برخی از مناطق نبوده است.

مداخله یا پشتیبانی دولت‌ها و یا شخصیت متنفذ و موقعیت بالای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مرتکبان نیز همواره مانع از آن بوده است که برخورد مناسبی با آن‌ها صورت گیرد، به ویژه که گاه مرتکبین آن‌ها خود دولت‌ها بوده‌اند که همواره خود را در پشت نظریه‌هایی مانند «اصل عمل حاکم»، «حاکمیت دولت‌ها»، «اعمال حاکمیتی» و «اصل مصونیت» پنهان ساخته و به نام مصالح اجتماعی و منافع ملی، آسیب‌های شدید و جبران‌ناپذیری را به محیط زیست وارد ساخته‌اند، آسیب‌هایی که هیچ‌گاه وصف و عنوان «مجرمانه» به خود نگرفته و به عنوان رفتاری «مباح» و گاه «ضروری» (با توجیه‌های سیاسی، نظامی یا اقتصادی) تلقی و حتی به شدت از آن‌ها دفاع شده است (۱). در واقع تصور بر این بوده است که محیط زیست و هر آنچه بر روی آن قرار دارد، به طور مطلق در اختیار انسان قرار داشته و برای رفاه بشر آفریده شده است و بشر می‌تواند هر گونه که بخواهد از آن‌ها بهره‌برداری

۳-۱. **مبانی و اصول:** در این گفتار به بررسی مبانی و اصول حاکم بر پژوهش پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. اصل ضررنرساندن: یکی از اصول مهم اخلاق زیستی، اصل پیشگیری از ضرر یا ضررنرسانی است. اخلاق زیستی به عنوان شاخه‌ای جدید از اخلاق هنجاری کاربردی، به تبیین پاسخ‌ها و راهبردهای اساسی در مواجهه با پرسش‌ها و چالش‌های ناشی از ظهور و بروز فناوری‌های نوین زیستی می‌پردازد (۳). در واقع اخلاق زیستی، سلامت و خوب‌زیستی انسان را به ارمان می‌آورد (۴). در عصر حاضر، ارتکاب جرائم زیست‌محیطی رو به فزونی است و ضررهای زیستی که در اثر ارتکاب این دسته از جرائم به طبیعت بازمی‌گردد، در اکثر موارد غیر قابل جبران است. از این رو پیشگیری از ضررهای ناشی از جرائم زیست‌محیطی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که جرم‌شناسی‌های نوظهور به اصل ضررنرسانی که ارتباط عمیقی با اصل پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی دارد، توجه مضاعفی نشان داده است که مهم‌ترین آن، جرم‌شناسی فرهنگی سبز است که با توجه به مؤلفه‌های مختلفی همچون فرهنگ و آموزش سعی در ارائه مدلی برای پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی دارد. ارتباط عمیق مطالعات جرم‌شناسی فرهنگی سبز با اخلاق زیستی در اینجا بیشتر خود را نشان می‌دهد که جرم‌شناسی فرهنگی سبز، اخلاق خوب‌زیستن را از طریق تقویت فرهنگ، آموزش و... نشان می‌دهد که همانا این بحث در عین حال، رسالت اصلی اخلاق زیستی محسوب می‌گردد که اصل ضررنرسانی یکی از جلوه‌های بنیادین در این حوزه محسوب می‌گردد.

۳-۱-۲. اصل احتیاط زیست‌محیطی: اصل احتیاط یکاصل مهم و کلیدی شناخته شده در حقوق بین‌الملل محیط زیست است. این اصل، ارتباط پرمعمق و بسیار نزدیکی با اصل ضررنرسانی و پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی دارد. این مهم را می‌توان در مخاطب اصلی این اصل که دولت‌ها هستند، دانست. این اصل از دولت‌ها می‌خواهد که در پیشگیری از آسیب‌رسانی‌های زیست‌محیطی نقش مداخله‌گر داشته باشند.

ذیل جرم‌شناسی‌های انتقادی قرار می‌گیرند. جرم‌شناسی انتقادی رویکردی همه‌جانبه است که از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد به نقد جرم‌شناسی سنتی یا جرم‌شناختی علت‌شناختی و شاخه‌های کاربردی آن می‌پردازد (۲). در این میان ما با سه دسته از جرم‌شناسان انتقادی در خصوص مطالعات زیست محیطی مواجه هستیم: ۱- جرم‌شناسان سبز؛ ۲- جرم‌شناسان فرهنگی؛ ۳- جرم‌شناسان فرهنگی سبز. این سه دسته از رویکردهای جرم‌شناختی انتقادی، مطالعات خود را در خصوص بحران‌های زیست‌محیطی و ضررهای زیستی تقویت نموده‌اند، اما هر یک از این رویکردها نگرشی خاص به بحث زیست محیطی و جرائم حوزه آن داشته‌است.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که دیدگاه‌های جرم‌شناسی‌های سبز، فرهنگی و جرم‌شناسی فرهنگی سبز در خصوص جرائم زیست‌محیطی و پیشگیری از ضررهای زیستی چیست و چه راه‌کارهایی در این خصوص ارائه می‌دهند؟ به همین منظور، ابتدا مبنا و اصول مهم ضررنرسانی و اصل احتیاط در بهره‌گیری از طبیعت را تحلیل می‌کنیم؛ در گام دوم به بررسی دیدگاه‌های جرم‌شناسی سبز و سپس به بیان دیدگاه‌های جرم‌شناسی فرهنگی و تحلیل رویکرد تلفیقی سبز، که همان رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی سبز است، خواهیم پرداخت.

۲. ملاحظات اخلاقی

موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و امانتداری در ارجاعات مقاله رعایت گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی پس از بررسی مبانی و اصول ضررنرسانی و احتیاط زیست‌محیطی به تحلیل دیدگاه‌های جرم‌شناسان سبز انتقادی معاصر در خصوص جرائم زیست‌محیطی و پیشگیری از ضررهای ناشی از آن خواهد پرداخت.

ایجاد رویکردی نوین است که بتواند در طول زمان به همراه پویایی جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی، به مفهوم‌سازی و همچنین چاره‌جویی برای برون‌رفت از این‌گونه آسیب‌ها بپردازد (۷).

در واقع جرم‌شناسان سبز، کانون مطالعات خود را در خصوص جرائم و ضررهای زیست‌محیطی در چهارمحور: ۱- جرائم، آسیب‌ها و ضررهای زیست‌محیطی؛ ۲- بزه‌کاران زیست‌محیطی؛ ۳- بزه‌دیدگان زیست‌محیطی؛ ۴- آزمایش‌های ترکیبات شیمیایی، دارویی و... در خصوص جانوران و انسان و تولیدات کالایی، غذایی و... دارای تأثیرات منفی بر تمامی اشکال ارگانسیم‌های زنده (۸) استوار کرده‌اند که در ذیل به بررسی هر یک از این موارد خواهیم پرداخت.

۳-۲-۱. جرائم، آسیب‌ها و ضررهای زیست‌محیطی: جرم‌شناسان سبز، با توجه به این‌که امروزه ضررهای زیست‌محیطی فراموشی شده است، اصل ضرر را مرکز توجه قرار داده‌اند و آنچه در تعریف جرم زیست‌محیطی ملاک قرار می‌دهند، ضرر زیست‌محیطی است نه جرم‌انگاری آن. در واقع بسیاری از جرم‌شناسان سبز در نظام جرم‌انگاری جرائم زیست‌محیطی تابع رویکرد حقوق بشری هستند. رویکرد حقوق بشری مدعی است که جرم‌هنگامی رخ می‌دهد که حقی از حقوق بشر نقض شده باشد، خواه آن عمل قانونگذاری شده باشد خواه خیر (۹). جرم‌شناسان سبز با توجه به منافع بشر و مشکلات زیست‌محیطی، ضرررسانی را ملاک جرم زیست‌محیطی دانسته‌اند و اصل قانونمندی و تعاریف رسمی جرم را از جانب سیستم عدالت کیفری مردود می‌دانند (۱۰).

در دیدگاه این دسته از جرم‌شناسان، جرائم سبز به دو دسته جرائم سبز سنتی و جرائم سبز نوین تقسیم می‌شود. منظور از جرائم سبز سنتی، جرائمی هستند که جرم‌انگاری در خصوص آن‌ها صورت گرفته است، همچون جرائم آلودگی هوا، آلودگی آب، جرائم علیه حقوق حیوانات، اما جرائم سبز مدرن شامل خشونت‌های دولتی و جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته آن‌ها هستند که باید جرم‌انگاری شوند (۱۱). در واقع دغدغه اصلی

این اصل به موجب اصل ۱۵ اعلامیه ریویکی از اصول مهم شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل محیط زیست معرفی شده است. اصل ۱۵ اعلامیه ریو در این خصوص مقرر داشته: «جایی که تهدیدات جدی یا خسارات برگشت‌ناپذیر زیست‌محیطی وجود دارد، فقدان قطعیت علمی نباید دلیلی برای به تأخیر انداختن اقداماتی که به منظور جلوگیری از تخریب زیست‌محیطی استفاده شده است، شود» (۵).

این اصل که در اسناد بین‌المللی مختلفی بدان اشاره شده (۶)، با شعار ممنوعیت آسیب‌رسانی زیست‌محیطی از دولت‌ها می‌خواهد که نقش مداخله‌گر و ارزشمندی را در رابطه با محیط زیست ایفا کنند. در عصر حاضر، گاهی دولت‌ها خود مرتکبان جرائم زیست‌محیطی هستند و گاه ترویج‌گر رفتارهای مخرب زیست‌محیطی که مطالعه این چالش‌ها از اهمیت جدی و فراوانی برخوردار است و این موضوع در حال حاضر موضوع مورد مطالعه نحل‌های جدید جرم‌شناسی‌های انتقادی زیست‌محیطی است که در این پژوهش بر همین مبنا جرائم زیست‌محیطی و پیشگیری از ضررهای زیستی را در سنجه جرم‌شناسی فرهنگی سبز، به عنوان یکی از شاخه‌های نوظهور جرم‌شناسی، تحلیل و بررسی خواهیم کرد.

۳-۲. رویکرد جرم‌شناسی سبز: جرم‌شناسی سبز رویکردی نوین است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ از سوی مایکل لینچ و جرم‌شناسان منتقد آمریکا ظهور یافت. اینان معتقدند که جرم‌شناسی متعارف در پاسخگویی و تحلیل آسیب‌های زیست‌محیطی با شکست مواجه شده است. از این رو ما نیازمند اتخاذ رویکردی نوین و نگاهی نو در علت‌شناسی آسیب‌های زیست‌محیطی هستیم. برای مثال، امروزه پدیده‌هایی چون تغییرات آب و هوایی، نازک‌شدن لایه ازن پدیده‌های جدیدی هستند که جوامع، به خصوص جوامع غربی، با ورود به دوره مدرن و صنعتی با آن مواجه شده‌اند و زبان جرم‌شناسی متعارف در فهم، درک و پاسخگویی به این‌گونه چالش‌ها ناتوان است. جرم‌شناسی سبز که تنها دو دهه از عمر آن می‌گذرد، در پی پاسخگویی به این چالش و

۳-۲-۳. بزه‌دیدگان زیست‌محیطی: در جرائم زیست‌محیطی، ضرر در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است. جرائم زیست‌محیطی ممکن است در یک لحظه افراد زیادی را بزه‌دیده قرار دهد، بدون این که بیشتر بزه‌دیدگان از بزه‌دیدگی خود مطلع شوند. اکثر جرائم زیست‌محیطی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و همین امر خود موجب مطرح شدن جرم زیست‌محیطی فراملی می‌گردد. شاید بتوان به جد این مهم را مطرح نمود که جرم‌شناسی سبز توجهی مضاعف به بحث بزه‌دیدگان زیست‌محیطی داشته است، چراکه این دسته از جرم‌شناسی به شناخت آسیب‌های زیست‌محیطی فراملی و مخربان دولتی و شرکتی و فراملی پرداخته و تأکید فراوانی بر حمایت از این بزه‌دیدگان دارد. بدیهی است که در این فرض، محیط زیست قربانی اصلی است و باید از آن حمایت کرد.

۳-۲-۴. آزمایش‌های ترکیبات شیمیایی، دارویی و... در خصوص جانوران و انسان و تولیدات کالایی، غذایی و...: اولریش بک آلمانی تبار که نظریه‌پرداز «جامعه مخاطره‌آمیز» است در اولین کتاب خود به نام «جامعه مخاطره‌آمیز» پندارهایی را درباره جامعه و مخاطره مطرح کرده و به بررسی مسائل محیط زیست علاقه خاصی نشان داده است. در نظر اولریش بک، جامعه مخاطره‌آمیز جامعه‌ای است که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی به سمت مخاطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی متوجه شده است. وی یکی از جنبه‌های جامعه مخاطره‌آمیز را در این می‌داند که خطرات آن محدودیت زمانی و مکانی ندارد (۱۳). به عبارت دیگر فراملی است. یکی از این مخاطرات، که در کتاب بک نیز به آن اشاره شده است، آزمایش‌های ترکیبات شیمیایی، دارویی و... در خصوص جانوران و انسان و تولیدات کالایی، غذایی و... است (۱۴). جرم‌شناسی سبز نیز بر این نکته مهم، که گروه‌های قدرتمند اقتصادی و سیاسی به انواع آزمایش‌ها دست می‌زنند تا از آن طریق به قدرت‌های بیشتر مدرن دست یابند، اذعان دارد (۱۵).

جرم‌شناسی سبز جرم‌انگاری خشونت‌های دولتی است که جرم‌انگاری آن‌ها به دلیل این که خود حکومت واضع جرم است، امکان‌ناپذیر شده است.

۳-۲-۲. بزه‌کاران زیست‌محیطی: امروزه در جرم‌شناسی سبز که یکی از گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی است و از منظر علم جرم‌شناسی به بزه‌کاری علیه محیط زیست می‌پردازد، این عقیده شکل گرفته است که باید بزه‌کاران زیست‌محیطی را بزه‌کاران یقه سبز (Green Color Criminals) نامید و در موضوع جرائم ارتكابی این واژه را به بزه‌کاران این دسته از جرائم اطلاق نمود. این دسته از مجرمین، با اعمال نفوذ در نظام حکومتی، به برخی از رفتارهای سودجویانه غیر مجاز اقدام می‌کنند که زندگی همه مردم را به اشکال مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ صنعتی و تجارتي، بزرگ‌ترین آلوده‌کنندگان محیط زیست به شمار می‌روند، زیرا فضولات خود را برای فرار از هزینه‌های گزاف در هوا یا دریا و خشکی رها می‌کنند. یکی از مصادیق بارز مجرمین یقه سبز، زمین‌خوارانی هستند که از نفوذ و روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سوءاستفاده کرده و هم به لحاظ زیست‌محیطی و هم به لحاظ اقتصادی، آسیب‌های جدی را به جامعه وارد می‌کنند.

جرم‌شناسی سبز، مرتکبان زیست‌محیطی را بر مبنای تقسیم بندی جرائم به دو دسته مرتکبان دولتی و غیر دولتی تقسیم می‌کند و بیشتر تمرکز خود را بر روی مرتکبان شرکتی و دولتی سوق می‌دهد و شاید بتوان گفت درباره بزه‌کاران غیر دولتی و غیر سازمان‌یافته بحث جدی نمی‌کند. شاید هم علت آن، این امر باشد که جرم‌شناسی سبز یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی است و همان‌گونه که کارل مارکس به عنوان پیشگام جرم‌شناسی انتقادی بیان داشته، جرم‌زاییده نظام سرمایه‌داری است (۱۲) و جرم‌شناسی سبز نیز به اعمال مخرب زیست‌محیطی دولتی می‌پردازد و سعی بر آن دارد که در خصوص این اعمال مخرب دولتی و شرکتی جرم‌انگاری صورت پذیرد.

زیست در نظام سرمایه‌داری تأکید می‌کنند و معتقدند که مصرف‌گرایی و کالایی‌نگری می‌تواند جرم را به مثابه یک فرهنگ تلقی نماید. به عبارت دیگر آنچه در جرم‌شناسی فرهنگی در خصوص آسیب‌های زیست‌محیطی مطرح می‌شود، عبارت‌اند از: ۱- تحلیل فرهنگ مصرف‌گرایی؛ ۲- کالانگاشتن مهم‌ترین مقوله‌ها همچون محیط زیست؛ ۳- بازنمایی رسانه‌ای از جرم (بزرگنمایی، اغراق یا نادیده‌گرفتن مسائل مهم همچون مسائل زیست‌محیطی) که در ذیل به بررسی هر یک از این موارد می‌پردازیم.

۳-۳-۱. فرهنگ مصرف‌گرایی (سیاست بازار): یکی از دغدغه‌های مهم جرم‌شناسان فرهنگی بحث در خصوص این موضوع است که سیاست بازار در جهان مدرن مردم را به سمت مصرف‌گرایی سوق می‌دهد. این مصرف‌گرایی توسط رسانه‌ها نیز شیوع پیدا می‌کند. جرم‌شناسان فرهنگی تأکید می‌کنند که صرفاً با جرم‌نگاری نمی‌توان جلوی آسیب‌های محیط زیست را گرفت، بلکه باید در میان مردم فرهنگ سازی‌های غلط از میان برود. یکی از این فرهنگ‌های غلط که در کشور ایران نیز مرسوم شده است، استفاده از آب‌معدنی‌های چشمه‌های طبیعی و کوهستانی است. بسیاری از این شرکت‌ها که در زمینه تولید آب‌معدنی فعالیت می‌کنند، برای فروش بیشتر این بطری‌های آب‌معدنی، در بازار یک نوع فرهنگ‌سازی ایجاد می‌کنند تا مردم به سمت استفاده از این نوع از آب‌ها گرایش پیدا کنند (۱۷). برای مثال، شرکت الف می‌تواند از طریق حيله و دروغ‌افکنی این‌گونه در بازار شایع کند که آب شهر قابل شرب نیست و املاح معدنی ندارد و ممکن است بیماری‌زا باشد. جالب توجه اینجاست که این دسته از تجار بر روی بطری‌های آب‌معدنی برچسب «حامی و طرفدار محیط زیست» می‌زنند، در حالی که به یقین می‌توان گفت این اقدام نوعی عوام‌فریبی است؛ این بطری‌ها برای محیط زیست مضرند و چندین سال تا هزار سال تجزیه آن‌ها در طبیعت به طول می‌انجامد. بحث دیگر، فروش این بطری‌هاست که هر روز بر قیمت‌شان اضافه می‌شود.

با توجه به مطالبی که بیان شد، جرم‌شناسی سبز بیشترین توجه خود را بر روی مطالعه اعمال مخرب زیست‌محیطی دولتی و شرکتی متمرکز کرده و بر مبنای آن تقسیم‌بندی‌هایی را جمع به بزه‌کاران زیست‌محیطی ارائه می‌کند. در زمینه پیشگیری از ضررهای زیست‌محیطی نیز پیشنهاد این دسته از جرم‌شناسان، لزوم توجه به ضرر به عنوان معیار برخورد قانونی با بزه‌کاران زیست‌محیطی است.

جرم‌شناسی سبز مداخلات پیشگیرانه و برنامه‌های آموزشی را نیز مد نظر دارد، اما از آن جهت که جرم‌شناسی سبز یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی است، تمرکز اصلی خود را بر روی اعمال مخرب زیست‌محیطی دولتی و شرکتی متمرکز نموده و از بررسی و مطالعه جرائم سنتی که از سوی اشخاص عادی ارتکاب می‌یابد، غفلت می‌ورزد. این مهم و توجه به بحث فرهنگ در جرم‌شناسی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است که در ذیل به بررسی و تحلیل بیشتر این موارد خواهیم پرداخت.

۳-۳-۲. رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی: یکی از رویکردهای جدید جرم‌شناسی انتقادی معاصر، نظریه جرم‌شناسی فرهنگی است. این قلمرو مطالعاتی بر نقش ساختارهای فرهنگی جامعه در ارتکاب جرم و همچنین بازنمایی رسانه‌ای از جرم تأکید می‌کند. این رویکرد که نگرشی کلان و ساختاری دارد، بر بحث تعارض‌های فرهنگی حاصل از وجود خرده‌فرهنگ‌های مختلف موجود در جامعه توجه دارد. از دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی به مثابه رویکردی انتقادی، آفرینش حقیقت جرم و انحراف و ایجاد اشکال نوین عناوین مجرمانه و کنترل‌های قانونی - اجتماعی در بسترهای فرهنگی، محصول بازنمایی رسانه‌ای از حوزه فرهنگ است (۱۶).

در واقع مهم‌ترین مسائل مطرح شده در جرم‌شناسی فرهنگی عبارت‌اند از: جرم به مثابه فرهنگ، فرهنگ به مثابه جرم و بازنمایی رسانه‌ای از جرم. این دسته از جرم‌شناسی بر این نکته تأکید دارد که چگونه آسیب‌های زیست‌محیطی توسط رسانه‌ها ساخته می‌شود. جرم‌شناسان فرهنگی بر کالایی‌شدن محیط

۳-۲. کالانگاشتن مهم‌ترین مقوله‌ها همچون محیط زیست: جرم‌شناسان فرهنگی سبز، بحث آب را به عنوان کالای خصوصی مطرح کرده‌اند (۱۸) و به این مهم اشاره می‌کنند که محیط زیست به عنوان کالا نگریسته می‌شود و این امر خطرات و آسیب‌های زیست‌محیطی بسیاری به دنبال خواهد داشت.

۳-۳. بازنمایی رسانه‌ای از جرم (بزرگ‌نمایی، اغراق یا نادیده گرفتن مسائل مهم همچون مسائل زیست‌محیطی): دعوت به مصرف‌گرایی و کالاسازی محیط زیست از طریق رسانه صورت می‌گیرد و این همان پدیده عادی سازی تخریب زیست‌محیطی است. در واقع گویی این فرهنگ‌سازی غلط از سوی رسانه‌ها بازنمایی می‌شود. در حال حاضر، تبلیغ رسانه‌ها و دعوت به خرید لباس‌هایی از جنس پر حیوانات باعث شده که چندین هزار پرنده کشته شوند و همین امر، بحثی به نام «مد» را مطرح می‌کند. در واقع رسانه‌ها با تجویز تبعیت از مد، مصرف‌گرایی و کالانگاری محیط زیست را در میان عموم مردم تبلیغ می‌کنند.

۳-۴. رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی سبز (تلفیق دو

رویکرد): جرم‌شناسی سبز از زمانی که از دهه ۱۹۹۰ از سوی مایکل لینچ مطرح شد، از آنجا که یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی بوده است، بیشتر مطالعات خود را بر روی آسیب‌های زیست‌محیطی، که از سوی دولت‌ها، شرکت‌ها و مجرمان یقه سفید ارتکاب می‌یافت، متمرکز کرده و برای پیشگیری از ضررهای زیستی برخورد با این دسته از بزه‌کاران را لازم می‌داند. توجه یکسویه به این بحث باعث شده که جرم‌شناسی سبز را رویکردی نیازمند تکمیل و ایده‌های جدید بدانند (۱۹).

جرم‌شناسی سبز، جرائم را به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می‌کند و در این تقسیم‌بندی بزه‌کاران جرائم مدرن زیست‌محیطی را همان دولت‌ها، شرکت‌ها و مجرمان یقه سفیدی می‌داند که به راحتی خود را از مسؤولیت مبرا می‌دارند. در واقع اشخاصی که در جامعه سرمایه‌داری نقش

کلیدی و پشت پرده ایفا می‌کنند، همان سرمایه‌دارانی هستند که به راحتی به اهداف خود دست می‌یابند. رویکرد یکسویه جرم‌شناسی سبز در خصوص توجه به دولت و این دسته از جوامع سرمایه‌داری، باعث شد که از جرائم سنتی و مطالعات پیرامون آن غافل بماند. درست است که در جوامع سرمایه‌داری، دولت‌ها مرتکبان اصلی جرائم زیست‌محیطی هستند، اما تمرکز بر روی مرتکب کلیدی نباید ما را از رسالت اصلی جرم‌شناسی زیست‌محیطی دور نگه دارد که همانا شناخت جامعی از بزه‌کاران و بزه‌دیدگان و ارائه راه‌کارهای پیشگیری از ضررهای زیستی است. یک جرم‌شناس نباید از مطالعه همه جانبه در خصوص جرائم مورد مطالعه‌اش غافل شود.

جرم‌شناسی فرهنگی نیز بر لزوم توجه به فرهنگ توجه دارد و از مؤلفه‌های مصرف‌گرایی، کالایی‌شدن، ترویج فرهنگ مخرب، بازنمای رسانه‌ای از جرم سخن به میان می‌آورد. در واقع این دسته از جرم‌شناسی انتقادی نیز بیشتر بر مؤلفه فرهنگ و فرهنگ‌سازی جامعه توجه دارد که نتیجه این بحث نیز غفلت جرم‌شناسی فرهنگی از جرائم دولتی و شرکتی و یقه سفیدی بوده است. در این میان، یک رویکرد و پاسخ تلفیقی لازم بود تا هم مرتکبان دولتی و شرکتی مورد توجه قرار گیرند و هم بر فرهنگ‌سازی در جهت پیشگیری از ضررها و آسیب‌های زیستی تأکید شود. در همین راستا این پاسخ ترکیبی برای اولین بار با اصطلاح جرم‌شناسی فرهنگی سبز در سال ۲۰۱۳ در مقاله «طرحی اکتشافی بر جرم‌شناسی فرهنگی سبز» مورد استفاده قرار گرفت (۲۰). این نوع از جرم‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی در کتاب «جرم‌شناسی فرهنگی سبز: راهبردهای جدید در جرم‌شناسی انتقادی» مطرح شد (۲۱).

جرم‌شناسی فرهنگی سبز، همان‌گونه که از عنوانش برمی‌آید، تلفیقی از دو جرم‌شناسی فرهنگی و سبز است که دو رویکرد انتقادی فرهنگی و سبز را به خواننده منتقل می‌کند. جرم‌شناسی سبز همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، به آسیب‌های زیست‌محیطی دولتی و شرکتی بیشتر پرداخته و راه‌کارهای

بیان شد، جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی از سوی مرتکبان دولتی و شرکتی بیشتر از شهروندان عادی است.

۶. نتیجه‌گیری

تلفیق دو رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی سبز، توجه به دو مؤلفه مهم فرهنگ و آسیب‌های زیست‌محیطی دولتی را امکان‌پذیر می‌سازد. پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی در این رویکرد ادغام‌یافته، با نهادینه‌کردن و فرهنگ‌سازی درست در خصوص حفاظت از محیط زیست، ممکن می‌شود.

توصیه‌های جرم‌شناسی فرهنگی سبز در جهت فرهنگ‌سازی و نهادینه‌کردن باورها و ارزش‌های اخلاقی گامی مثبت در تحقق عدالت زیست‌محیطی و تحقق اخلاق زیستی است. دوری از کالایی‌سازی و گرویدن بیش از حد به مصرف‌گرایی و پیروی از مدهایی که اولین قربانی‌اش محیط زیست است، از توصیه‌های ضروری جرم‌شناسی فرهنگی سبز است. این نوع جرم‌شناسی، بهترین نوع تجویز جرم‌شناختی را تجویز فرهنگی و تغییر عادات در خصوص الگوهای زیستی می‌داند. این دست از توصیه‌های جدی که جرم‌شناسان فرهنگی سبز مطرح می‌کنند، مطابق با اصل حداقل مداخله حقوق کیفری است که نویددهنده تغییر دیدگاه‌ها به سمت تحقق عدالت اجتماعی و اخلاق زیستی است، ضمن این‌که مداخله حقوق کیفری را انکار نمی‌کند.

۷. تقدیر و تشکر

از همه کسانی که در حوزه جرم‌شناسی تلاشگران واقعی‌اند و ما را یاری‌رسان بوده‌اند، کمال تشکر را داریم.

۸. سهم نویسندگان

تهیه پلان و منابع و نظارت بر کار به راهنمایی آقای دکتر علیرضا میرکمالی بوده و نگارش متن مقاله توسط نویسنده

پیشگیرانه و آموزشی را در همین جهت به رسمیت می‌شناسد. در واقع رویکرد جرم‌شناسی سبز فاقد دیدگاه فرهنگی بود و همین عامل باعث شد که دیدگاه پیشگیرانه جامع و مانعی از ضررها و آسیب‌های زیست‌محیطی ارائه ندهد و به آسیب‌های زیست‌محیطی که از سوی عموم مردم (به غیر از دولت و شرکت‌ها) ارتکاب می‌یابد توجه درخور نداشته باشد. در واقع ادغام جرم‌شناسی سبز با جرم‌شناسی فرهنگی، دیدگاه جامع‌تری را نسبت به جرائم زیست‌محیطی و ضررهای زیستی ارائه می‌دهد و آن تأکید بر مؤلفه فرهنگ است. جرم‌شناسی فرهنگی با تأکید بر مؤلفه فرهنگ، بر این نکته تأکید می‌ورزد که باید درک عمومی از آسیب‌های زیست‌محیطی به وجود آید و این مهم تنها از طریق فرهنگ‌سازی صورت می‌پذیرد.

۴. یافته‌ها

جرم‌شناسی فرهنگی سبز بر تأثیر فرهنگ و آموزش‌های زیست‌محیطی به عنوان مولفه‌های پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی تأکید ورزیده است، البته بر مقابله با جرائم زیست‌محیطی ارتكابی از سوی دولت‌ها و شرکت‌ها نیز توجه خاصی دارد که این مؤلفه‌ها می‌توانند نقش مؤثر و به سزایی در پیشگیری از ضررهای زیستی داشته باشند.

۵. بحث

خواسته اصلی جرم‌شناسی فرهنگی از جرم‌شناسی سبز، توجه به مؤلفه فرهنگ است و خواسته مهم جرم‌شناسی سبز از جرم‌شناسی فرهنگی، توجه به این نکته مهم است که آسیب‌ها و فجایع زیست‌محیطی که از سوی دولت‌ها و شرکت‌ها ارتکاب می‌یابد، نباید مورد غفلت قرار گیرد. در واقع می‌توان گفت که پیام اصلی جرم‌شناسی سبز به جرم‌شناسان فرهنگی، خطر استفاده ابزاری دولت از رسانه برای اطمینان‌بخشیدن به مردم از مجازات خاطیان و مخربان زیست‌محیطی از سوی دولت است، در حالی که همان‌گونه که در دیدگاه جرم‌شناسی سبز

دوم و سوم، یعنی آقایان امین حاجی‌وند و علی نباتی صورت گرفته است.

۹. تضاد منافع

این نوشتار فاقد هرگونه تضاد منافع است.

References

1. Hajivand A, Mirkamali A, Safari F. Government Criminal responsibility for environmental crimes in Iran, Necessities and Challenges. *Environmental Sciences* 2018; 16(2): 65-82. [Persian]
2. Najafi Abrandabadi A. Critical Criminology and Kinds. In Handbook of Convicts Criminology. Tehran: Mizan Publication; 2018. [Persian]
3. Rahbarpour MR. The Concept of Biological Ethics and Its Territory. *Bioethics Journal* 2011; 1(1): 13-48. [Persian]
4. Abbasi M, Akrami F. From Transgenic Organisms towards Transhumanism: Necessity of Ethical Assessment and Legislation. *Bioethics Journal* 2018; 8(30): 7-8. [Persian]
5. Mashhadi A. Environmental Law. Tehran: Khorsandi; 2014. [Persian]
6. Blake JE, Sadeghi K. Study of Precautionary Principle in the Light of Biosafety Act. *Bioethics Journal* 2019; 9(32): 87-100. [Persian]
7. Gorjifard HR. Green Criminology. Tehran: Mizan Publication; 2016. [Persian]
8. Walters R. Criminology and Genetically Modified Food. *British Journal of Criminology* 2004; 44(2): 151-167.
9. White R. Transnational Environmental Crime to the Criminology of the Boom World. Translated by Daneshnari HR. Tehran: Mizan Publication; 2016.
10. White R. Crimes against Nature: Environmental Criminology and Environmental Justice. Translated by Namamian P, Tayyebi S. Tehran: Majd; 2015.
11. Mirkamali AR, Hajivand A. Analyzing the Prevention of Environmental Crimes in the light of the United Nations Guidelines based on the Ethical Principle of Prevention of Harm. *Bioethics Journal* 2017; 7(26): 61-75. [Persian]
12. Rahiminejad E. Criminology. Tabriz: Forouzes Publication; 2015. [Persian]
13. Ahmadi H, Dehgani R, Beck U. Thoughts and Ideas (The Theorists of Risk Society). *Social Development Journal* 2014; 2(38): 101-126. [Persian]
14. Beck U. World Risk Society. London: Polity Press; 2009.
15. Michael JL. The Greening of Criminology: A perspective on 1990s. Gainesville: Florida State University; 2006.
16. Presdee M. Cultural Criminology and the Carnival of Crime. Translated by Asiaei R. Tehran: Mizan Publication; 2017.
17. South N. A Green Field for Criminology, Green Criminology. Edited by South N, Berine P. Translated by Rahiminejad E, Babaie M. Tehran: Majd Publication; 2017.
18. Wilk R. Bottled Water the Pure Community in the Age of 13randing. *Journal of Consumer Culture* 2006; 8(2): 197-217.
19. South N. A Green Field for Criminology, Green Criminology. Edited by South N, Berine P. Surrey: Ashgate Publisher; 2006.
20. Natali L. Exploring Environmental Activism, a Visual Qualitative Approach from an Eco-global and Green-cultural Crimonological. *Journal of Social Criminology, Green Criminology Issue* 2013; 2(3): 67-103.
21. Brisman A, South N. Green Culture Criminology: New directions in critical criminology. London: Routledge Publisher; 2014.



BEJ

Bioethics Journal

2020; 10(35): e10

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-be>



ORIGINAL RESEARCH

Environmental Crimes and Prevention of Bio Harms in the Measure of Green Cultural Criminology

Alireza Mirkamali^{1*} , Amin Hajivand² , Ali Nabati³ 

1. Assistant Professor, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Student of Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

3. M.Sc Graduated Of Criminal Law and Criminology, Damghan University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 22 February 2020

Accepted: 08 July 2020

Published online: 21 September 2020

Keywords:

Environmental Crimes

Prevention

Bioethics

Green Cultural Criminology

Culture

ABSTRACT

Background and Aim: Considering environmental crime due to its many bio-damages, the main focus of green cultural criminology studies is to identify environmental crime and bio-harm prevention guidelines in this criminology measure. This study is essential to the realization of the goals of bioethics, as one of the important principles of bioethics is the important principle of harm prevention.

Materials and Methods: This descriptive-analytical study will examine the views of contemporary critical green criminologists on environmental crime and the prevention of its damages.

Findings: The main demand of cultural criminology for green criminology is to pay attention to the component of culture and the important demand of green criminology for cultural criminology; it is important to note that the environmental damage and catastrophe committed by governments and corporations should not be forgotten. The combination of these two criminology offers a great deal of help in preventing bio-damage, as green cultural criminology relies on the components of culture and education with minimal amount of criminal intervention, which can be effective in non-criminal bioethics.

Ethical Considerations: Issues related to research ethics and fiduciary have been considered in the citations of the article.

Conclusion: The combination of cultural criminology and green criminology makes it possible to pay attention to two important components of culture and governmental environmental damage. Preventing environmental damage is also possible in this integrationist approach, by properly institutionalizing and cultivating environmental protection.

* Corresponding Author: **Alireza Mirkamali**

Address: Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Postal Box: 1983969411

Tel: 0912 723 9562

Email: a_mirkamali@sbu.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Mirkamali AR, Hajivand A, Nabati A. Environmental Crimes and Prevention of Bio Harms in the Measure of Green Cultural Criminology. *Bioethics Journal* 2020; 10(35): e10.